

زندگی در پر تو عدل

- نشر عدالت در اجتماع
- شعله‌های سوزان منم
- نبرد من با بی‌دادگری

سر درد تواریخ و کاوش و بررسی پیرامون پیدایش و پرور نهضتها ، مارا باین نکته حال و نمایان توجه هدایت میکند ، که در ادوار مختلف گیتی میان کلیه ملت‌ها همواره کلمه مقدس عدل ، محور جنبشها و سرچشمه انقلابات قرار گرفته است ؛ گروهی که از فشار احقاقات و تجاوزها بی‌نور آمده ، دورنمای عدل چنان در روحیه آنان هیجانی پدید آورده ؛ و احساسات آنها را برانگیخته است ، که مردانه علیه دستگامهای اهریمنی ثبوعومی را آغاز ؛ و بخاطر بهنگ آوردن این گره را زنده و گرافیه و دیگرگون ساختن دوران تاریک و وحشیانه ، تلاشهای حسنی تا پذیر ارسودشان داده و از عیب کونه‌ها کاری حتی بذل جانهم دریغ ننموده اند اما متأسفانه بسیاری از این جنب و جوشها و مبارزات بی‌گیر به نتیجه نرسیدند ؛ و بهر روزی نفسی نرسیده است ، و خلاصه نتوانسته اند شاهد منصور را در آغوش کشند ؛ و با مال حیاتی خویش نائل آیند .

ژوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در نیم پیروزی و موفقیت آنان ، با توجه باین نکته روشن و آشکار میگردد ؛ وقتی مراجح حامیه ارعدار طبیعی منحرف و با احتیاط و تولیدی خو گرفت ؛ چنین اجتماعی عدالت پذیر نبوده ؛ و هرگز بآئین داد و ستد نخواهد گردید ، بسط عدالت در زمینه اصول شرع محقق میسر و امکان پذیر است و تا آن شرایط تحقق نپذیرد چو در واقع عدل در اخق زنده گی تجمع نخواهد کرد ؛ نخست جامعه بقانونی نیازمند است که بر اساس عدالت و وضع گردیده باشد ، حقوق کلیه طبقات و افراد در آن بطور کامل منظور و امصالح عمومی تطبیق نماید ؛ سپس تربیت اساسی و اخلاقی پسندید . رگسترش آن اثر عمیق می‌بخشد .



عدالت قانونی است طبیعی که در سراسر عالم تکوین مشاهده میشود ؛ طبعی جهان است

از اس‌عدل تعیین گردیده و مختلف از این قانون طبیعی امکان ناپذیر است. صاهنگی امر آرد آید و صکارای میان اغناو که در سازمان بدن خود احساس می‌کنیم در عشا شریکین ملهبر تمول دقیق و حیرت آورد سنگاهای عظیم خلقت است. و بالاخره ما از مطالعه مسفحة وجود خویش نظام مجموعه عالم واقع میگرددیم. (۱)

تادلی که در نظام آفرینش ادعا میشود: یک توازن قهری است. اما چون بشر دارای استقلال فکر و اراده است. لذا باید شالوده عدل در اجتماع بازآورد و اختیار او پی‌ریزی شود؛ نیروی عقل انسانی در برارهای از موارد نیازی به هدایت و راهنمایی شرع نداشته. خود مستقلا بنواند حقایق را ادراک نموده و بر طبق آن فتاوت کند. عقل کارهای نیک و قابل تقدیر و روش و اعمال ناشایست را مورد توبیخ و نکوهش میداند.

عدالت در زندگی بشر دارای موفقیت بسیار حساس، و از جمله اوصافی است که بر چشمه تمام فضائل است. اگر آنرا نخستین اساس زندگی اجتماع منظم بنامیم شخصی بگراف نگفته‌ایم با برقراری عدالت فصل نویزی در زندگی بشر آغاز گشته. و در کالبدی جهان اجتماع روسی‌تازه میدمد؛ محیط حیات را بر فروغ ساخته و بدان جلوه خاصی می‌بخشد؛ جامعه‌ایکه بر اساس مرغزار زندگی آنان از عدل و داد بر سر می‌دورم باشد قابل بقا و زیست بوده. بر موانع و مشکلات موفق و پیروز میگردد.

ضای کسری جفت نامیک اگر پیشین مورد توجه این مستفاد آئین در پایه پیولاد نیست این دوام دولت از اینجای عدالت گسری است. و در نه درخت و گل این اندازه استعداد نیست هر که عدالت است آنجا جای امن است و صلاح و اندر آنجا مسدین و آفرست افشاد است

شعله‌های سوختن ستم‌ورم انسانی و مظالمات فریبگی

نتایج زیان بخش ستم‌گری در زوال و آسیب‌لال جامعه و از هم گسیختن امنیت اخلاقی و اجتماعی بقدری قطعی و غیر قابل انکار است. که حتی اگر کسی پانته باینی هم نباشد. از اعتراف باین حقیقت ناگزیر خواهد بود. با طبعیان ستم پیوند دارد و روابط عمومی از هم گسسته پراکنده‌گی و آشفت در کل نظام اجتماع حکمفرما میشود. اعمال فدرهای امری بی‌وجارانه سرانجام بطورار حکومتی متشد و نیرومند را در برده. بر زندگی با حلال و شکوه آنان خط بطلان میکشد؛ اندکی مطالعه در تاریخ زندگی ستم‌گوان. که بگوید در جانشین‌های اصل خویش گرفتار شده‌اند بر دگرترین درس عبرت است. و در اینجا بد کرد یک شاهد زنده تاریخی اکتفا میشود: (پنجمه درس ۶۶)

(۱) برای کسب اطلاع پیرامون نظم جهان آفرینش بکتاب و آفریدگار جهان مراجعه فرمائید.

شارب الخمر در اثر مسمومیت الکلی و ناراحتی های کبدی بسادگی با این امراض گشوده دچار میشوند و با اینکه بار در اثر مسمومیت مزمن الکلی با امراض غیر قابل علاج قلبی ، مغزی و در نتیجه دیوانگی و حتی گاهی کوری و کری گرفتار میشوند که اغلب آنها ارت در ارت باقی میماند آزمایش دیگر نشان میدهد که اگر ماه ۱۰۰ موش (۱) مقدار کمی الکل تزریق کنیم ۸۵ عدد آنها در اثر مسمومیت در مدت کوتاهی میمیرند . در این صورت بر چه کسی پوشیده است که الکل برای بدن انسان سم مهلکی است ؛ آیا با هم میشود یا همیها و جنجال و تبلیغات سوء از این نوع اثرات و مزایای تمدن غرب پشتیبانی و دفاع کرد ؛ یکی از نمونه های پیشرفت تمدن غرب چنانکه بر مرض رسید همسانا سرفرور افزون مواد الکلی بود و چنانکه مختصراً خوانندگان گرامی دیدند آن نتیجه اخلاقی الکل بود که به آدمکش ، وحشیگری و انحرافات اخلاقی کشیده میشد و اینهم اشاره ای از تأثیرات آن بر روی بدن انسان است که هر که شارب و مریضی دائمی معنادین منتهی میگرد .

آیا با هم میشود نام چنین جوامی را که در آنها روزی و در صورت مشروبات الکلی فزونی مییابد و مردشان بدان افتخار هم میکنند جوامی تمدن ؛ گذاشت ؟

(۱) منسودار اینکه موش بر پوست چون نتیجه آزمایش مریضی موشهای ماده بطوری دیگر بوده یعنی اگر ماه ۱۰۰ موش ماده مقدار کمی (کلی تزریق کنیم فقط ۳۰ عدد آنها میمیرند و بهمین نسبت است تأثیر سوء دهانات بر روی جنس حسن و جنس لطیف و این تأثیر درست بهمین نسبت بر روی جنس حسن و جنس لطیف اولاد آدم می باشد و گویا اسلاذ این لحاظ جنس حسن و لطیف جای خودشان را عوض کرده اند .

پیشکش کاظم انانی مطالب و تشریح

بقیه از صفحه ۱۶

رساله جامع علوم انسانی

محمد بن عبدالملک از وزرائی بود که در دستگاه خلفای بنی عباس موقیبت خاصی داشت . این وزیر سنگدل و بی باک برای مجازات زندانیان ، تنوری از آهن که دیوارهای داخلی آن میخهای برشته ای داشت ، مهیا ساخت ؛ زندانیان تبرهخت را در ضمن جایگاه بر در و وحشتزا محبوس می ساخت ؛ به علاوه به تنور بر حرارت میدادند ، تا بدین ترتیب از فشار شکنجه طاقت فرسا بفرج ترین طرزی جان سپارد .

وقتی متوکل بحلافت رسید وی را از وزارت سرول و سپس در همان زندان خود ساخته بازداشت گردید . اوقاتی که آخرین لحظات زندگی را پشت سر میگذاشت ؛ کاغذ و روانی در خواست نمود ؛ بر آن دو بیت شعر بعنوان نامه سرگشاده بحلیفه نوشت :

هی السبیل فمن یوم الی یوم کانه مات ربک العین فی نوم